

زلزله فارس و

واقعیت روستای ایران

زلزله خونی صبحدم ۲۱ فروردین ۱۳۵۱، ۷۹ هکده از روستاهای ایران در استان فارس را با خاک یکسان کرد. هزاران نفر از ساکنین زحمتکش این روستاها به زیر آوارخانه های حقیر خود به خاک و خون در غلطیدند.

از تعداد واقعی مردم زحمتکش که در این فاجعه جان خود را از دست دادند، بهیچوجه اطلاع حاصل نشد. رژیم شاه و دستگاههای تبلیغاتی آن وقیحانه مانع این گشتند که مردم ایران حتی از میزان مرگ و میر این زحمتکش مطلع گردند.

گفته های رژیم و روزنامه های رسمی ایران در مورد آمار تلفات از تناقضات و تضادهای فراوانی آکنده است. یکبار ۲۰۰۰ و بار دیگر ۵۰ و حتی ۱۰ هزار گزارشی داده شد. در زیرمابه بعضی گزارشها و آمارهای رسمی که در جراید ایران آمده است رجوع میکنیم تا گوشههایی از واقعیت تلخ زندگی زحمتکش روستائین را نشان دهیم:

جمعیت مناطق زلزله زده بیش از ۳۳ هزار نفر است. بخش قیرک مرکزی اصلی زلزله بوده مطابق گفته شهردار محل بیش از ۷۰۰ نفر جمعیت داشته است (کیهان روزنامه ۲۵ فروردین ماه).

از طرفی خبرگزاری پارس میزان تلفات را در قیرک ۹۶۳ نفر اعلام میدارد ولی از طرف دیگر گزارش خبرنگار کیهان میخوانیم که "در بخش قیرک ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر را زنده دیدیم".

خبرنگار اطلاعات میگوید "در اینجانبان تمام کودکان یک دهکده کشته شدند" "کسی نمیتوانست به زیر آوار ماندگان کمک کند... آخیری امید تعدد زنده مانده ها آنقدر کم بود که برای نجات حتی ۱۰ نفر کافی نبود".

(اطلاعات ۲۳ فروردین) بدین ترتیب دیده میشود که تعداد روستاها در فارس مطابق گفته خبرنگار کیهان ۵۰۰ نفر در تعداد تلفات تخفیف داده است.

بجرات میتوان گفت که در اشرا این زلزله هزارها نفر کشته شدند، خانه های مسکونی روستایی که در ساختمان آن بعلمت فرزندی در دهقانان از گداز استفاده میشود در مقابل خفقینرگانی ویران میگرددند.

در گزارش خبرنگار کیهان قید شده "کمانیکه مجروح شده اند و یا سالم مانده اند کسانی هستند که در خانه های نوساز زندگی میکنند" (کیهان ۲۵ فروردین).

این گفته روشن میسازد که از سویی عامل اصلی کسرت میزان تلفات چیست و از سویی دیگر خود گواهی است بر کشته شدن اکثریت دهقانان زحمتکش که از داشتن "خانه های نوساز" محرومند.

ناتوانی و عدم جدوجهد مقامات دولتی در کمک به نسر آوارماندگان عامل دیگری است که میزان تلفات را بالا بردار است. نمونه زیر نشان میدهد "توجهات رژیم شاه به مردم زحمتکش زلزله زده:

"جالبتر از همه اینها گروه سازمان دفاع غیر نظامی بود. اینها روز سوم حادثه با هلیکوپترها از شیراز راه افتادند طرف قیر، پرسیدیم برای چه میروید؟ گفتند ما بیخ دستگاه الکترونیکی و مکانیکی داریم که هر کدام را هر جا کار بگذاردیم بطور دقیق صدرا از زلزله خنک ضبط میکند و بمسای نشان میدهد که در کدام نقطه آدمی زلزله وارمانده و هنوز زنده است، آنوقت ما میرویم و با تکنیک خاص که داریم نجاتشان میدهم گفتیم پدرجان سه روز از زمان زلزله گذشته است، میروید زنده از زیر آوار در بیارید؟ سرپرست گروه گفت آقا ما الان ۲۴ ساعت توی فرودگاه شیراز منتظر وسیله ایم" (کیهان ۲۶ فروردین).

در همان شماره کیهان از قول خبرنگار روزنامه گفته میشود ".... همه التماس میکردند، چادر و غذا میخواستند و از قول خبرنگاران خارجی اشاره میشود ".... ما دیدیم که داشتند با هلیکوپتر برایشان نان و خرما میبردند منتها مثل اینکه روز سوم بود".

و بدین روآن تعدد قلیلی از روستائیان که زنده مانده بودند نیز در اشرفشارگرستی و سرمایه نمیتوان امید بی نجاتشان داشت.

سخن از نبودن دوا و درمان، حتی حداقل آن نیز زمانیکه غذا و چادر و وسایل برای بیرون کشیدن زیر آوارماندگان باین حد نازل است، بیبوهه میباشد.

جالب اینکه شاه و سوگلی اش در این فرصت غم انگیز

مشکل و متمرکز کند و به ایجاد جنبشهای کارگری و توسعه آنان هیبت گمارد، این وظیفه حزب کمونیست است که به وحدت خلق تحقق بخشد و آنان را در امر آزادی خود که شرط آزادی پرولتاریا نیز هست، رهبری کند.

اکنون که در میهن ما طبقه کارگر فاقد سازمان سیاسی خویش است، ایجاد آن بعنوان پیش شرط پیروزی انقلاب و بعد وان وظیفه مرکزی در مقابل عناصر پیشرو پرولتاریا، کمونیستها قرار دارد و هر جنبش و مبارزه ای که به اسم مبارزه کارگری و یاد رخد مت آن انجام میگردد در صورتی صاحب اصالت است که این سنگبری اصولی را داشته باشد.

بقیه مسافرت نیکسون به ایران

رفت و آمد کنشهای جنگی شوروی در آبهای خلیج فارس در مقابل امپریالیستهای آمریکا وانگلیس ساکت ننشستند:

امپریالیسم آمریکا در بحرین پایگاه نظامی ایجاد نمود.

امپریالیسم انگلیس به تقویت نیروهای ارتشاهی امارات ساحل جنوبی خلیج پرداخت و تحریک آن جمهوری -

دمکراتیک یمن جنوبی مورد تجاوز نیروهای دست نشانده سلطان قابوس قرار گرفت.

تشدید عملیات محاصره و سرکوب انقلابیون در قطر

امپریالیستهای رژیم شاه در اشغال سه جزیره ابوموسی تنب بزرگ و تنب کوچک کمک کردند و باین علو رژیم شاه کاملاً موافق بودند.

امپریالیسم آمریکا وانگلیس رژیم شاه را مسترکارا از لحاظ نظامی تقویت میکنند.

شرکت و سیمتر امپریالیستهای ربرنامه پنجم رژیم ۶ بویژه امپریالیسم آمریکا.

زنده کردن مجد پیمان سننو.

حال بدین رژیم محمد رضاشاه که دم از "سیاست مستقل ملی" میزند، در چنین اوضاعی چگونه عمل میکند؟ بنه گذشته رژیم برترمیگردد چه کارنامه او در این مورد سیاه است.

آپارزیم شاه دیگر دست از سیاست سابق خود برداشته؟ اگر تاریخ چند سال اخیر را ورق بزنیم می بینیم تا آنجا که همکاری بین امپریالیسم آمریکا و شوروی مطرح بود شاه ایران خند متکبران این همکاری نامقدس شده و نقش موثری در برپا د کردن سیاستهای همکاری میان دو قدرت بزرگ بعهده داشته است. نمونه برجسته این همکاری را میتوان در ساختمان لوله کشی گاز به شوروی دید که امپریالیستهای آمریکا و سوسیال - امپریالیستهای چگونگی

یکدیگر را در غارت میهن مامساعدت میکنند رژیم هم باین عمل صحنه میگردد. ولی هنگامیکه ساله رقابت میان دو قدرت بزرگ تشدید میگردد، رژیم شاه جانب اربابان قدیمی خود را میگیرد و در دست خود را در اختیار امپریالیسم آمریکا

میگذارد. بهبود نیست که نیکسون شاه را متحد اصلی خود در خاورمیانه میسورد و شاه نیز اعلام میکند "رابطه ایران و آمریکا هیچگاه مثل حالا خوب نبود است".

در حقیقت سیر تاریخی رشد نفوذ امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی که در دوره حکومت محمد رضا شاه خاشن صورت گرفته است نشان دهنده این واقعیت

انکارناپذیر است که "سیاست مستقل ملی" رژیم دروغ محض است و هدفی جز منحرف ساختن افکار عمومی ندارد.

در اوضاع کنونی کشور ما آن سیاستی مستقل ملی است که علیه نفوذ و دخالت روزافزون قدرتهای امپریالیستی و سوسیال - امپریالیستی مبارزه کند که ضامن اجرا و ادامه

چنین سیاستی تکیه کردن هرچه بیشتر به نیروی خلق می باشد. برای جلوگیری از تجاوز و توسعه نفوذ یک امپریا -

لیسم نمیتوان به امپریالیسم دیگر تکیه کرد. هر دو آنها دشمنان خلقهای میهن ما هستند و مبارزه بخاطر استقلال

ایران جد از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی نیست.

مردم ما علیه دو قدرت بزرگی که میخواهند کشور ما را ببلعند و آنرا چون کالایی برای معامله در نقشه های "بزرگ" خود

میبیند ارند شدیداً مبارزه خواهند کرد. آنها امپریالیسم آمریکا را بالاخره از ایران بیرون خواهند راند. آنها نقشه های سوسیال - امپریالیسم را برای چپاول میهن ما نقش بر آب خواهند کرد. آنها بساط محمد رضاشاه خاشن را

بر خواهند چید.

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

بقیه زندهباد طبقه کارگر

منافع بورژوازی ملی ایران نیز در شرایط کنونی جامعه در تضاد با منافع امپریالیسم و نفوذ الیسم و بورژوازی بوروکرات

میباشد زیرا آنها از اساس پارشد اقتصاد ملی مخالفتند. در حالیکه در جریان انقلاب دمکراتیک نوین و تحت رهبری طبقه کارگر او امکان فعالیت راداشته و از نظر اقتصاد نیز

ناحدودی به او امکان رشد داده میشود. این طبقه باید برای حل تضاد خویش با امپریالیسم و نفوذ الیسم و بورژوازی بوروکرات، در جنبه متحدی که استخوانبندی آنها اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل میدهد، شرکت کند.

پرولتاریا بخاطر داشتن جهان بینی علمی و مترقی، قادر است از زیبایی واقعی از جامعه، از تضادهای آن و راه حل این تضادها آراه دهد و تنها بخاطر داشتن این جهان بینی است که میتواند با حرکت از شرایط عینی، استراتژی و تاکتیک درستی برای انقلاب طرح نماید و درونمای روشن

از جامعه و نظام نوین داشته باشد. و بدین علت است که از جمله میتواند وحدت و تشکل توده های مردم را تأمین کند و آنانرا بسوی پیروزی آرمانهای بشریت رهنمون

گردد.

طبقه کارگر ایران در طول مبارزه چندین دهساله خود کیفیت و قدرت عالی را در امر انقلاب از خود نشان داده است

تاریخچه مبارزه طبقه کارگر ایران، تاریخچه ای بس طولانی و ارزشمند است که بیش از ۷۰ سال قدمت دارد. طبقه کارگر ایران جزو پیشقدمترین کارگران جهان در ایجاد تشکلهای خویش بوده است. طبقه کارگر ایران با وجود ضعف کلی، بر رهبری حزب اجتماعیون عامیون، با شرکت در سازمانهای توده ای مجاهدین که تفکک بردست بارزیم

استبدادی و تاجار پیکار میکردند، نقش موثری را در پیشبرد انقلاب مشروطه بعهده داشت. حزب عدالت که از یطن حزب اجتماعیون عامیون بیرون آمد تشکیلات کارگری ایران را در بسیاری از نقاط کشور توسعه داده و با شرکت در جنگ های انقلابی گیلان به اوج گیری مجد د انقلاب کمک بسیار نمود و حزب کمونیست ایران که ادامه دهنده حزب عدالت بود با متشکل کردن توده های وسیع به بسیج دهقانان و ایجاد ارتش خلق پرداخت و متحد با دیگر نیروهای انقلابی جمهوری شوروی گیلان را تشکیل داد و صفحات درخشانی از خود بیادگار گذاشت. در دوره حکومت سیاه رضاخان، طبقه کارگر همچنان برای حفظ منافع ملی بخصوص در مورد ملی کردن نفت و برای حفظ تشکل های صنفی و سیاسی (حزب کمونیست) خود در سخت ترین شرایط مبارزه ادامه داد. او بار دیگر پر از جنگ جهانی دوم علیه سیاستهای رفرمیستی رهبری حزب توده ایران در مبارزات اقتصادی - سیاسی وسیعی درگیر شد و در مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران بسالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۳۰ نقش مهمی ایفا نموده و در صفوف اول مبارزات توده های مردم قرار گرفت و بعد از کودتای ۲۸ مرداد دلاوری و تدابیری از خود نشان داد که شایسته خصومت انقلابی و پیشتاز آن در مبارزات خلقهای میهن ما است.

انقلابیونی که در به در هم شکستن نابرابریهای اجتماعی بسته اند باید توجه کنند که بدون مبارزه طبقه کارگر و بدون رهبری وی سخنی از موفقیت انقلاب نمیتواند باشد. هیچکدام از طبقات و اقشار دیگر در این مقطع از تاریخ بخاطر نداشتن خصوصیات طبقه کارگر که بدان اشاره کردیم توانایی رهبری انقلاب و تضمین موفقیت نهایی آنها ندارند در صورت افعال رهبری خویش بخاطر عدم تأمین وحدت خلق و نداشتن دورنما و آینده روشن انقلاب را در زمینه راه باشکست مواجه خواهند نمود.

و اما مساله اساسی در تأمین رهبری پرولتاریا در انقلاب وجود سازمان سیاسی طبقه کارگر، حزب کمونیست است.

مارکس وانگلس در جمع بندی از تجربه کمون پاریس صریحاً اعلام داشتند: "طبقه کارگر در مبارزه اش علیه قدرت دسته جمعی طبقات مالک نمیتواند بعنوان یک طبقه عمل کند مگر خود را در یک حزب سیاسی... متشکل سازد".

(قطعه نامه های کنگره عمومی اتحادیه بین المللی کارگران در هساک).

کارگران در مقابل ستم و استثمار مشتق قلیل استثمارگرکس

العمل نشان داد و کارخانه به کارخانه، کارگاه به کارگاه و در تمام زمینه های کار به مبارزه خود بخودی یا متشکل دست

میزند ولی آیا رسالت بالقوه پرولتاریا در اینگونه جنبشها

پراکنده بالفعل میگردد؟

این نیروهای پراکنده چگونه باید تحت سازمان و سیاست

و برنامه واحدی به نیروی عظیم جهت تحقق هدف نهایی

پرولتاریا مبدل گردند؟ بیگمان این وظیفه حزب کمونیست

است که جنبشهای کارگری را تحت یک سیاست و برنامه واحد

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

از بهره برداری تبلیغاتی بازماندند. جریان مسافرت آنان خیرمک زحمتکش را تحت الشعاع قرار داد، روز نامه های رسمی این "قد برنجه نمودن اعلیحضرتین" را "بهترین و موثرترین تسکین برای روحیه آسیب دیدگان خانواده از دست داده" تلقی کردند (کیهان ۲۶ فروردین). و طبیعتاً اعلیحضرت! از فاداه ملوکانه دریغ نکرده و اظهار داشت "در ساختن خانه هاسعی کنید سقفها زیاد سنگین نباشد، چون کوچکترین تکان باعث ریزش آن، خواهد شد"!! (کیهان ۲۶ فروردین).

اظهار مرحمت نخست وزیر به کشته شدگان بازماندگان آنها در نوع خود بسیار قابل توجه است. ولیان گفت "به دستور آقای نخست وزیر بدی تمام زارین که فوت کرده اند بخشوده میشود و از بازماندگان آنها مطالبه نخواهد شد، و برای بازماندگان نیز تسهیلاتی بوجود میآوریم و

از راههای بخشودگی و احاطه طویل المدت این بدیسی را در حال حاضر منتفی میسازیم" (اطلاعات ۲۳ فروردین) توجه کنید که دهقانان هستی باخته، ماتم زده هنوز مجبورند وامهایی را که به رباخواران دولتی مقروضند بپردازند، دولتی که تنها مخارج لپو و لعب و عیش و نوش همگان خارجیش از میلیارد هاریال تجاوز میکند.

هنوز نمیخواهد از مقدار اولیه روستائینان زحمتکش با وجود از دست دادن تمام دارایی و هستی، خانواده و خویشتن خود بوی مقروضند صرف نظر کند.

در روزنامه های ایران میخواهم تم که مجلس شورای ملی یک چنین لایحه ای را به تصویب رسانده "به دولت اجازه داده میشود که عرضه و اعیان خانه ها و سایر مستحقات ساخته شده در نقاط آسیب دیده از زلزله خراسان را..... بر طبق شرایط و ضوابطی که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید بفروش رسانند" (تهران اکونومیست - ۵ تیر ۱۳۵۰).

بدین ترتیب روشن میشود که دولت حتی حاضر نشده است این خانه هاراجبانی در اختیار زلزله زده های قرار دهد، در صورتیکه میدانیم مقدار کفکهای مردم ایرا و جهانیان به زلزله زدگان خراسان کردند به تنهایی کفاف مخارج خانه های ساخته شده را نمیتواند، عمال رژیم از مال و حق ناچیز مردم ماتم دیده زلزله زده نمی گذرد و از نظارت و دزدی آن صرف نظر نمی نماید.

رژیم کوشش میکند مرگ و میر و تلفات جانگداز دهها هزار زحمتکش را امری طبیعی قلمداد نماید ولی مردم زحمتکش همین مامید اندند که اگر حداقل تأمین از نظر سکون و بعد از وقوع زلزله حداقل کمکهای اولیه بهداشتی و فنی موجود بود هرگز این چنین فاجعه در درناکی بوجود نمی آمد هر کجا قهت یک زلزله همین چنین دردناک و غم انگیز نمی توانست باشد.

روزنامه کیهان در لابه لای مطالب خود نوشته است: "درست است که ایران از نقاط زلزله خیز جهان بشمار می رود اما چرا این همه قربانی دارد، مگر نه این است که میزان حدوث زلزله در ژاپن بیش از اینهاست؟"

(کیهان - ۲۲ فروردین) جواب این سوال روشن است، ایران مادر زلزله قرار دارد، در جامعه آزاد و مترقی بخاطر این واقعیت حد اکثری بیش بینبهای لازم باید صورت گیرد، مردم از نظر مسکن بهد اشت و ارتباطات در مقابل اینگونه حوادث باید مجهز باشند، ولی حکومت فعلی ایران مقدار بودجه ای که برای بهسازی خانه های روستائی اختصاص میدهد اندکسی بیشتر از مبلغی است که جهت ساختمانهای سازمان امنیت صرف میکند، و در مقابل بیش از دو برابر این مبلغ را صرف ساختمان کاخ دربار می نماید (آمار از گزارش برنامه چهارم) هرگز در جامعه ای که بر اساس حداقل برابری و عدالت بناگشته است این چنین فاجعه ای رخ نخواهد داد، مرگ

دهها هزار روستائی زحمتکش مولود آن سیستم اجتماعی است که تنها سود و منافع مشتق سنگر را تأمین میکند، این نظام و در راس آن شاه، باعث میگردد یک حادثه طبیعی باین چنین مرگ و میر و فاجعه غیر طبیعی بدل گردد.

خلقهای زحمتکش میهن ما باین وضع کجکبار جامعه خانه خواهند داد. آنها انتقام خون هزاران روستائی زحمتکش را که این چنین آسان در کام مرگ فرورفته اند خواهند گرفت

نشانی

توده و ستاره سرخ

آدرس پستی: MME. PAOLA DI CORI C.P. 403 S.SILVESTRO ROMA - ITALY

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

مبارزه مسلحانه را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسزدون سازمان دهیم

(رد نظرات انحرافی در زمینه چگونگی مبارزه مسلحانه)

تعداد

منتشر شد

۱۵ خرداد

(گوشه‌ای از تاریخ قهرمانیهای کارگران ایران)

خلفه‌ها ایران هرگز از یکارطبه استبداد دستم قنود الهی واستعمارگران بازنایستاد هاند . در ۷۰ سال اخیر بارها جنبش مردم ماحوشیانه از طرف ارتجاع مورد پورش قرار گرفته است ، ولی خلق پاکشون هزاران مشک و تحمل هزاران شهید بار دیگر پیاخته ، بمباران ماه دادمست .

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ روزی در مبارزات نوین مردم ماست ، چه در آنروز جنبش عظیمی از توده هادر کوجه و بازار ، در دانشگاهها و مساجد در مقابل رژیم قهرمانانه ایستاد و قهر و تنفر خود را علیه رژیم اختناق و ترور شدید ابراز نمود . ۱۵ خرداد تحریک خود بخودی هزاران هزار زحمتکش بود که با کشتار وحشیانه هزاران نفر از آنان از طرف ارتش و پلیس شاه سرکوب گردید و این جنبش قهرآمیز توده های در مبارزات چند سال اخیر خلقهای ما بینظیر بود است ، بطوریکه در تعمیق یک جنبش آزاد بخش ایران موثر واقع شد . جنبش ۱۵ خرداد بار دیگر اعمال قهر توده های در مقابل قهر ارتجاعی و بعنوان شیوه اساسی و عده مبارزه علیه رژیم کودتار و برپوشش نشان داد و آرزوهای غیرواقعی آن دسته از عناصر مترز و لولوپر توئیستهارا که هنوز شیوه مسالمت آمیز و پارلمانتاریستی را راه مسی دادند ، نقش بر آب نمود .

شکست ۱۵ خرداد همچنین بار دیگر ضرورت شکل و رهبری طبقه کارگر در مبارزه بطور برجسته ای نشان داد . از آن زمان بعد در جریان مبارزه سازمانها و گروههای انقلابی در ایام آگاهی خود را در رابطه با قهر انقلابی و لزوم سازمان سیاسی واحد رهبری کننده قدم بقدیم بالا بردند و این پیرویه هنوز هم ادامه دارد و لاجرم از یکسو سازمانها و گروههای انقلابی را بسوی ایجاد حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) میکشاند و از سوی دیگر اصول جنگ توده ای را بعنوان افکار هدایت کننده این سازمانها حاکمیت میدهد .

مادر زینر مشاهده ات یکی از خوانندگان خود را که ناظر قهرمانیهای توده های مردم در ۱۵ خرداد بوده است ، میآوریم . در ضمن این نوشته گوشه ای دیگر از تاریخ مبارزات کارگران ایران را نشان میدهد .

* * * * *

" روز ۱۳ خرداد ساعت ۱۶ جمعیت از مسجد هدایت (خیابان استامبول) متفرق شد . صف انبوه مردم از خیابان لاله زار بسوی امیرکبیر سرازیر گردید ، نزدیک خیابان اکباتان بطرف سعدی و سپس از سعدی بسوی امیرکبیر هجوم آورد ، شد ، در انتهای سعدی داخل امیرکبیر بازار بسته شده بود . مردم مدتی مکث کردند تا چاره چگونگی ولی پلیس راه را باز کرد ، من در صف اول جمعیت بودم ، وقتی که راه افتادیم مقصد مانا صخره بود و از آنجا بازار ولی راه عبور نمود . به عقب برگشتیم راه دوباره بسته شده بود - اینک پیش از . . . نفرودیم بوقیه مردم بوسیله پلیس در خیابانهای اطراف پراکنده شده بودند . ما صیخرو راهبه طرف میدان طی کردیم ، تاکنیک پلیس روشن شده بود آنها مارا در میدان محاصره کرده بودند ، ناصر خسرو امیرکبیر ، لاله زار ، فردوسی ، باب هاین ، سپه و کلیه منافذ و کوجها و حتی راهروهای زیرزمینی میدانهم انباشته از قزاق دولتی بود . در صف مقدم کماندها و نیروهای پلیس بعد پلیس کنترل افشاشات با ماسک و کلاه خود و اسلحه ، پشت سر آنها سربازان مسلح گارد و سپه زره - پوشها که به انبوهی بسوی ماضی بسته بودند . یک نفر از میان جمعیت صد ازد : " برادران ما همه اسیر شدیم . . . قربانی خواهیم بود " جمعیت تکانی خورد و چهره ها خون میگرد و خشم بر ما غالب میشد . من آنوقتها بسیار جوان بودم و کمی مضطرب . اما بدون درمیان مردم و همسر زنتی بسا خلق مرا تسکین میداد ، ضد ای مردی از میان جمعیت برخاست : " یاالله . . . یا حسین شهید . . . برادران یامرک یا آزادی " و آن صد ایدر لحظه کوتاه دوباره گفت " برادران حمله . . . " و جمعیت با صدای مبینی خروشید و پس از آن بینر زنی از ما باقی نماند نبود . حمله ای که به پلیس کردیم بودیم شمر خود را داد بود و در حد و ندنی از ما علیه رژیم اینک پلیس برای محاصره و دستگیری حتی سرنیزه بنا بر میبرد خود راهها ساخته بودند . هر چند ما اسیر بودیم ولی رهانش در مقابلها و دلیری آنها قلمبان را شاد کرده بود همان کس دوباره گفت : " ما که کشته خواهیم شد ، چسرا

دست بسته اسیر شویم . یاالله مقاومت کنید ، مردم مقاومت کنید " و مردم پشت بهمی آمدند و چوبهای علم را بحالت دفاع به دست گرفتند . پلیس محاصره اش را تنگ تر میکرد و مردم فشرده تر و آماده تر میشدند . عده های از ما جدا شده و به وسط میدان میرفتند ، یکی پرسید کجا ؟ دیگری گفت " باید با هم باشیم باید مقاومت کنیم " . . .

مردم تصمیم خود را گرفته بودند . " ما که کشته خواهیم شد ولی چرا این ابوالهول ملعون پابرجا بماند " این فکر همه کسانی بود که در آن ساعت به محاصره افتاد بودند ، یک پیر سپید موی و دوسه جوان تومند هم به بالای مجسمه رفتند و با چوبی علم ها ، با چاقو حتی کلید و بانهایت خشم مجسمه را کوبیدند ، پلیس محاصره اش را تنگ تر میکرد و فرماندهان باتوشش ما را می یافتند . یکی گفت : " یامرک یا آزادی " و جمعیت به پلیس حمله ور شد ، یکساعت بعد همه ما زخمی و خون آلود اسیر شدیم ، آنها حداقل ده برابر ما بودند بدین ترتیب همه مارا روانه زندان کردند ، در میان ما محصل دانشجو ، کارگر و بازاری بودند ، همه مانگران اوضاع خارج بودیم ، میدانستیم که سبازیه مردم فرو نخواهد نشست و حتی امید وار بودیم که این مبارزات بمسرتگونی حکومت شاه ، بیانجامد روزه ۱۵ خرداد صد ای گلگله و غرش تا ننگها با خبر او جگر میبارد .

رایم اید . در جریان روز بسته دستم مردم را بزند ان می ریختند . عده زیادی از آنها زخمی بودند حتی دست و پای بعضی ها را نیز در بیمارستان قطع کردیم بلافاصله روانه زندان کرده بودند . در میان آنها کارگری بود که لازم می دانم خاطره اش را بازگو کنم . او چند روزی بیشتر نزد ما نبود و بالاخره برای همیشه از بین ما برده شد تا بصوف انبوه شهید ای خلق بپیوندد . ولی در همین مدت کوتاه به خاطر صداقت در بیان ، تواضع و فروتنی و جسارت و قهرمانی های بی نظیر و روح پر شور و شکست ناپذیرش در قلب ما جای گرفته بود . او یک قهرمان خلق یک پیرویه سنگینی یک نمونه بارز از لوری خلق یک رفیق صمیمی بود . قهرمان گفتمی بود که در مراحل با زحمت و در زندان ما را نشانی فاش ساخت ، ما نیز از انان و هویت و تقی او آگاهی نداشتیم و فقط میدانستیم که کارگر راننده موتور سه چرخه بارکش بود و از این راه امرامعاش میکرد و تا صبح روزه ۱۵ خرداد بدنبال نان و آب زن و بچه هایش بود ، برای ما میگفت :

" صبح روزه ۱۵ خرداد از خیابان خیام بطرف پارک شهر میامدم ، یکپویدم که انبوه جمعیت از لاله زار بسوی سرازیر است ، از میان آن جمعیت نمیشد موتور را دور . خواستم برگردم که دیدم تعداد زیادی سرباز در خیابان سازمان آب (جنوب پارک شهر) مخفی شده اند ، قضیه روشن بود ، با خود گفتم " اگر جمعیت اینجا برسد دست کم صد نفر کشته میشوند ، هر چند خودم تا آن ساعت کشته شدن کسی را بچشم ندیده بودم ولی رفت و آمد آمبولانسها ، انبوهی مردم ، صدای پیاپی گلگله ها معلوم میکرد که مردم کشتی می شوند . فرصت فکر کردن نداشتم ، میبایست مردم را نجا میدادم ، با خود گفتم " پس رادم بیکار نیامیاید و یکبار هم میمیرد ، این جان تو که از مال دیگران عزیز تر نیست " و به سرعت سه چرخه را بطرف جمعیت راندم و چون جریان را بفترت اول ، حالی کردم ، آنها خیلی زود بدن اطمنیان کردند و به اتفاق چند جوان به اول خیابان برگشتیم ، سربازان متوجه ما شدند من موتور را پشت یک کامیون ارتش گذاشتم و اوضاع استنجیدم خوشبختانه راننده کامیون استوار شیره ای بود که چرت می زد ، پس از اینکه کار را با لوی کسره کرد پشت رل نشست و بقیه در قسمت عقب جا گرفتند ، همه چیز فراموش کرده بودم فقط به مردم فکر میکردم ، میگفتم پسرا اگر کشته بشوی عوض د هبانه فرزند می ماند ، فکر میکردم که بخود گفته اند جان عزیز است ، آنها که این حرفها را زدند حتما این جور مواقع را ندیده اند ، آخرم که میشود آدم بخاطر جان خود شمر مردم به این خوبی را بگذارد بچمن سادگی به دهان اورد هابرونند در خودم چنان نیروی را تابحال ندیده بودم ، چشم را بستم و سرعت در حالیکه با کامیون عرض خیابان را بطوریکه زاگ قطع میکردم سربازان مسلح اما ترسو و بیحال دشمن را چندان متعجب راندم ، وقتی که قطعه شدم فرصت برای عبور مردم - هست از کامیون پائین پریدم و به اتفاق شروع به دویدن به طرف مردم کردم . ناگهان سوزشی در رانج دست چپم احساس کردم تا بخود جنبیدم که گلگله های بعدی بهم نخورند دیدم که رفقا بخون غلطیدند و بدنبال آنها خودم نیز افتادم .

رفیق ناشناس ما پس از پیوستن شدن اسیر میشد و جلادان شاه با اینکه امکان علاجش وجود داشته دست او را قطع کرد و سپس به زندان میفرستند .

در زندان مبارز مردم ادامه داشت . ملادر قسمت ما

ستاره سرخ و خوانندگان

چگونه حقایق را تحریف میکنند .

مقاله زیر توسط یکی از خوانندگان ستاره سرخ تهیه شده و ما آنرا چاپ میکنیم امیدواریم این دوست مبارز همکاری خود را با ستاره سرخ همچنان ادامه دهد .

شاه بارها ادعا کرده است که ایران در یک جزیره پیشرفته ترین ممالک جهان درآمد ماست ، گاه آنرا هر دو سیف کشورهای سوسیالیستی و گاه همسطح پیشرفته ترین کشورهای جهان سرمایه داری قلد اد نموده و بارها مدعی وجود عمیقترین عدالت و رفاه اجتماعی برای زحمت کشان ایرانی در نظام کنونی گشته است .

در این میان مردم از جمله می پرسند اگر شاه درست می گوید و ایران به چنین کشوری بدل گشته پس دلیل اینکه بیش از ۶۰ هزار ایرانی از وطن و زادگاه خود به عراق گریخته اند چیست ؟

میدانید دستگاههای تبلیغاتی رژیم شاه باین سوال اصولی مردم چه جوابی میدهند ؟ . راد یوتهران در برنامه صبح جمعه هفدهم دیماه ۱۳۵۰ ضمن ایراد سخنان تحریک آمیزی که نتیجه آن فقط تشدید اختلافات مذهبی بین دولت ایران و عراق است باین سوال چنین پاسخ میدهد : " علت مهاجرت این ۶۰ هزار نفر عراقی تعلقات مذهبی و عشق آنان به قبر سید الشهدا است "

کنزدیک به صد زندانی بود از پیرمرد بازاری ، کارگر ، دانشجو کاسب ، محصل و چند دهقان ، همه موجود بودند ، اینها همه سیاسی بودند و به همین علت نه تنها هوا خوری ، حسام و ملاقاتی نداشتیم بلکه فقط روزانه دو وعده و هر وعده برای چهار تا پنج نفر یک کاسه " آش " مقداری نان میدادند .

علاوه بر این پلیسهای تریاکی زندان ما مدام توهین میکردند ، مخصوصا بکم سالها که ۵ - ۶ نفر بودیم ، ما که کوچکتر بودیم در اطاق دانشجویان زندگانی میکردیم ، بقیه ما را حمایت میکردند ، یک شب یکی از ماها که تاد بیروقت در راهرو قدم میزد به داخل آمد و جریان توهین پاسبان را به دیگران گفت ، دانشجویان بزرگتر مشورت میکردند که چه کنند و ما خواهش بودیم تا آنها تصمیم بگیرند ، صحبت از اعتصاب و شکایت به مقامات بالاتر نبود که " حسن " وارد شد .

او جوان ۲۷ - ۲۸ ساله ای بود و قبل از دستگیری شدن رانندگی یک خان را بعد داشت و میگفتند ماشین ارباب راه را کرده و به مردم پیوسته و یکبار هم چند نفر از دانشجویان زندانی و تعدادی از آقایان آنها را از دست پلیس نجات داده ، او مورد احترام و علاقه ما بود ، خوشرو مهربان ، دلبر و متواضع بود ، حسن کوار شد دیگران ساکت شدند ، روح پرشور او به همه حالی میکرد که اگر ساله را نغمه قزان خواهد گرفت ، اما حسن از وضع بچه ها و چشممان سرخ رفیق کسال ما موضوع را حدس زد و بسا خشمناکی حقیقت را بر سرید ، وقتی از جریان مطلع شد از اطاق خارج گشت ، تا خواستند او را متقاعد کنند که نباید بی احتیاطی کرد حسن پاسبان شیرهای او را زیر ضربات مشت و لگد خود خورد کرد ، پاسبانان دیگر ریختند حسن را گرفته و بردند . بعد ها گفت که در اطاق فلزی در حیاط زندان بطور انفرادی زندانی شده بود . ما پس از بردن او ، تصمیم گرفتیم برای رهانش اعتصاب کنیم و کردیم ، اما تا ظهر روز بعد طول نکشید که قریب چهارصد کماند و با باتوم به داخل بند ریختند و باد صدق تمام به زندان زندانیان پرداختند ، این جریان نیمساعت طول کشید ، در این فاصله گوئی در زندان انجمن را دیده بود انبوه زندانیان سیاسی و عادی که در بند های دیگر بودند با زندن ظروف به پنجره ها و با فریاد و اعتراض به ایمن ، وحشیگری می تاختند . ما که کوچکترین بودیم تقریبا هیچ کس نخوردیم ، زیرا بزرگترها ما را در ریاض خود گرفته و سپر ما شده بودند ، اما آنها همه زخمی شده بودند و کمتر رفیقی بود که بخون آغشته نباشد .

لقب کماند و هاهم زخمی و کتک خورده بودند . مقاومت دلیرانه زندانیان ، پلیس را هراسانند و به همین علت چند ساعت بعد حسن بیان ما آمد ، او گفت ظهر که نه بار آوردند کاسه آش داغ داغ بود ، پاسبان گفت بگیر کوفت کن ! پرسیدیم بچه ها در چه حالند ؟ گفت کس حسابشان را رسیدیم ، من عصبانی شدم و کاسه آش را به صورتش زدم ، صورتش متورم شد و باناله از زمین گریخت مقاومت زندانیان و دلیری حسن باعث شد که پلیس نتواند او را بجرم جدیدی مجازات کند .

هموطنان ما ، خصوصا ایرانیان مقیم عراق که اکنون در اردوگاهها زیر نظر مأمورین سازمان امنیت مشغول "بهره برداری از برکات انقلاب سفید"ند باین منطقی برخورد دولت پوزخند خواهند زد .

برای مردم مثل روز روشن است که دلیل مهاجرت ایرانیان از زاد و بوم خود قبل از همه چیز ناشی از سیاست شوم اقتصادی ملوکانه و نتیجه روز افزون بیگاری و ظلم و ستم مأمورین دولتی است . چه اگر این هموطنان در میهن خود کوچکترین امیدی به تأمین زندگی داشتند هرگز با وجود آگاهی برخطر رگبار مسلسل های مرزبانان و طرف به عراق نمی گریختند . حال فرض کنیم در لیبی که دستگاههای دولتی ایران در توجیه مهاجرت ۶۰ هزار ایرانی به عراق اراشه میدهند درست باشد و ما که بقول آنان خاشن و وطن فروش هستیم و چشم دیدن اینهمه پیشرفتهای اعجاب انگیز را ندانیم ، دروغ می گوئیم ! اما آنها معلوم نیست برای مهاجرت بیش از چند ده هزار کارگر ایرانی به کویت چه دلیلی می توانند بترانند ؟ مگر ورق پاره تهران اکنون نیست صحبت از وجود چنین کارگرانی که اکنون نمایندگان مجلس کویت دولت ایران را به خارج آنان تهدید می کرد هاند ، نمی نمایند مگر دولت کویت برای دریافت کارگزاران ایران قرارداد بسا دولت امضا نکرد ماست ؟ مگر این کارگرانی که هم اکنون بسبب اجرای توطئه های تحریک آمیز شاه در خلیج فارس خطر اخراج از کویت آنها را تهدید می کند همان کارگرانی نیستند که با گروهک داشتن کاسه مسین و گلگیری های زن و بچه خود خرج سفر تهیه کرده تن بخطر برگ سپرده و امید یافتن کار کویت روی آورد هاند ؟ مگر قبل از پایان سال ۷۱ نبود که لنجی با ۲۰۰ سرنشین ایرانی ، شب هنگام در آبهای ساحلی کویت غرق شد ؟ مگر رسال ۶۸ لنج دیگری در همین منطقه با ۵۰ تن سرنشینان ایرانی در اثر تعقیب گشتی های کویت به سنگ خورده و تنگ تنگ شد که فردایش نعتش یاد کرده مغرورترین راکتیر اری کرده و به نمایش گذاشتند ؟

کارگران و زحمتکشان ایرانی برای یافتن کار فقط به کویت نمی روند ، آنها به دیگر مناطق خلیج فارس و به سبب جایگاه امید برای یافتن کار باشد روی می آورند و این عده بخش کوچکی از سپاه چند میلیون نفری بیکاران در ایران تشکیل میدهند .

بگذار شاه و رجاله های بنام منطق خود ، آنها را عاقلان یا طاعن بخوانند . شاه و در اردو ستفان فقط هنگامی دست از منطق ارتجاعی و ضد کارگری خود برخواهند داشت که صفوف متحد و متشکل خلق را در برابر خود ببینند و ولوله تفنگ همه زحمتکشان را روی شقیقه خود لمس کنند .

درود به آلبانی سوسیالیستی شماره ۱۶

* - این مقاله بین از آنچه که باید جنبه آموزشی داشته باشد حالت نوحی انجام وظیفه را میسرساند ، بدین معنی که اگر گوشه هائی از وضع زندگی مردم در جامعه کنونی آلبانی در این گونه مقالات آورده شود علاوه بر اینکه تصویر شبنی از جامعه سوسیالیستی بخواننده میدهد آموزنده است و فقط رود " خشک و خالی " نیست .

* - خیلی کلیشه ای و شاید تکرار مکررات بود ، بهتر می بود که به جهت سی وین سالروز ایجاد حزب کار آلبانی نکات برجسته و ویژگیهای آموزنده و سازنده این حزب در اختیار خوانندگان گذاشته می شد . مثلا آلبانی در تاریخ جنبش پرولتری جهان تنها کشوریست که با داشتن زمینه تاریخی اسلامی موفق شده است بنحو خلاق اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی را پیاده کند و در کنامید این تجربه تاریخی بزرگترین ضربه ایست در صحنه عمل جهت خصوصیات مذهبی تمایل ذهنی کافی برای انقلاب و مکرراتیک نوین ندارند و ایدئولوژی کارگری شان کسی برای ایجاد پایه های توده ای در هات ایران دارد زیرا در آنجا پایه دینی موجود است . تجربه آلبانی کسذب این تئوری را ثابت کرده است .

یانگه آموزنده دیگر ، آلبانی تنها کشوریست در رویای شرقی که در آنجا در دوره جنگهای ضد فاشیستی جبهه متحد ملی بطور صحیحی در تحت رهبری حزب طراز نوین کار آلبانی بوجود آمد .

ستاره سرخ - انتقاد و پیشنهادات شما برای ما آموزنده بود . گوشش خواهیم کرد شبعدا این اشکال کار ستاره سرخ را برطرف سازیم و همیشه در نظر داشته باشیم که مقالات محتوی آموزشی داشته باشند و با هدف استفاد از تجارب تاریخی در رابطه با مسائل مشخص جنبش انقلابی ایران ، از سالگرد ها و روزهای مهم تاریخی یاد کنیم و بصرف یاد بود بیای نوشتن این مقالات ترویج

پیش بسوی پیوند با جنبشهای توده ای

صبح نزدیک است

با اوگیری مبارزات مردم، ارتجاع خون آشام ایران هم وحشی تر گردیده و اسفند خونینی را به فرودین و اوری - بهشت خونین تری میدل ساخته است.

محمد رضاییپلوی، قاتل مبارزترین فرزندان خلقهای ما، حکم اعدام انقلابی دیکروا صادر نمود:

- باقر صادقی
- علی میهن دوست
- محمد بازرگانی
- علی باکری
- محمد حنیف نژاد
- عبدالرسول مشکین فام
- اصغر بدیع زادگان
- محمد اسگری زاده
- سعید محسن

و جلادان انحکامش را اجرا کردند.

اکنون شماره شهیدان، که از اسفند ماه سال گذشته تا بحال به پای چوبه های اعدام فرستاد شده اند به ۲۲ نفر میرسد. این مبارزین تا آخرین نفس به خلق وفادار ماندند و از شهادت انقلابی، پیگیری و وفاداری این انقلابیون عین تجلیل میکنیم.

آنها با قهرمانی خاصی در میدان گداهای رژیم بد فاع از زحمتکش و محرومین جامعه برخاستند و بار دیگر زنده آن و دادگامشاهی شاه را به صحنه مبارزه خلق تبدیل نمودند

- ((امروز در تباد و جناح وجود دارد - در یک طرف))
- ((محرومین، مگر سنگان، آوارگان فلسطین و مبارزین))
- ((وجود دارد، در طرف دیگر افریقا، صاحبان ناپاک))
- ((فانقوم، جامنفت، ماشین های جنگی و کارخانجات))
- ((عظیم - بین اینها هیچ رابطه، هیچ نگاه))
- ((مطرح نیست. ما باید که در طرف اول قرار داریم))
- ((افتخار میکنیم، ما بجز خود افتخار میکنیم!))

سخن مانیز همین است:

اجتماع باید و قطب متضاد تقسیم میشود، در یک طرف استثمار شوندگان و ستم پدگان، یعنی خلق، در طرف دیگر دشمنان آنها مالکین زمین، بورژوازی وابسته به امپریالیسم، بوروکراتهای بزرگ اداری و نظامی معروف به هزارفامیل.

این در نوع انسان متضاد - که هیچ نوع تفاهم بین آنها مطرح نیست - شیوه متضاد برای حیات و شیوه متضاد برای مرگ نیز برگزیده اند.

شهید امام را در مقابل انتخابی صادق و عمیق بین یکس از این دوره قرار میدهند.

یا باید با ستم کشان همراه بود، یا ستمگران را برگزید و در ستم آنان قرار گرفت، در راهی که خلقهای قهرمان ما قدم نهادند و با خون خود آنرا سرخ کردند به پیشرفت ادامه دادند و این راه به وادادگان و نارقیقان و خاققین پیوست.

راه اول، حرکت بسوی آفتاب طلایی فردا نیست - مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مافوقه - دون نوید آنرا میدهد، راه دیگر حرکت بسوی حیات تکبک با ریست که پای بسوی شاه و شگجگران " سازمان امنیت " را ایجاد کند و روشنگران انقلابی میهن ما را انتخاب خود را نمودند.

جانبا زبانیان در شرایط جنگ مبارزاتی و در محیط خفقان حیوانی رژیم، نشانه پاک ترین احساسات آنان و وفاداری آنان نسبت به آرمانهای خلق تا آخر میماند. این تنها عدالتگشت شماری خود فروش هستند که از خلق دور گردانند و برای تأمین زندگی کثیف خویش با استثمارگران و سلاطین یکی شدند.

مسعود رجوی در ادگه نظامی گفت:

((تا آدم خود شرفش را نباشد، نمی فهمد فشار یعنی چه تهدید یعنی چه!))

در این جمله ساده و صریح عمیق ترین حقیقت و در همین حال عددترین وظیفه ای که در مقابل روشنگران میهن ما امروز قرار دارد نهفته است. برای وفادار ماندن به خلق باید با خلق بود، برای درک فشار و ستمی که بر آنان وارد میشود باید همراه آنان، در موضع آنان، مانند آنان فشار و ستمی را که تحمل میکنند احساس نمود. در یک کلام باید با آنان پیوندی فشرده داشت. مسلمانان پیوند با توده های زحمتکش پرورده ایست طولانی و دشوار و حتی دردناک، نوسازی افکار و احساسات روشنگران - که تغییر شیوه ماهیت زندگی مادی و معنوی آنان را نیز بر عهده دارد - قدم ب قدم در توفان مبارزات توده های انجام بگیرد، روز بروشنی ترمیشود.

چنین مبارزینی حتی در ادگاههای نظامی و در زیر شلاقهای مأمورین " سازمان امنیت " با ایمان راسخ به پیروزی بردشمنان بانک خواهند زد:

((با امید روزی که ملت خاققین را بدادگاه بکشاند)) این پیرو ستمی در هر لحظه جریان دارد و ادامه می - یابد تا به جبهه های آهنگین در درون مامله هر چیزی که با منافذ خلق مخایر در تیدیل شود، همچنین عشق مانسبت به زحمتکشان باید با کینه و دشمنی نسبت به ارتجاعیون و دشمنان خلق تکمیل گردد. آنگاه است که روحیه نهراسیدن از - سختیای مرگ نیز در ما شکوفا خواهد شد و در سخت ترین شرایط مبارزه، با وجود آسای آرام، اراده ای استوار از منافع ستم پدگان برای همیشه دفاع خواهیم نمود و هر محظلی را به ادگاههای علیه جلادانی که " ستاره های شانه شان از خون جوانان وطن رنگ گرفته است، تبدیل خواهیم کرد.

شهادت انقلابیون، خشمخود هار ان نسبت به قاتلین آنان باز هم بیشتر میماند، این شدت عمل رژیم، نشانه وحشت اواز احتضار تر میماند، اما خشم توده ها تبدیل به مبارزه انقلابی وسیع خواهد گردید، آن انقلابی که اساس و بنیان حکومت سیاه این قاتلین و شکنجه گران را از هم خواهد پاشید.

((تذکرید هم که این تناقض مایوس کننده نیست. انسان بدون گرفتاری تسویه نمیشود. روی سخن باید روسا در هائی است که فرزند انسان اسپرند. این فلسفه هستیست وجود آنها ازین خواهد رفت ولی صبح نزدیک است)) (جملاتی که در اخل گیومه آمده اند نقل از رفاغیات محمد بازرگانی و مسعود رجوی در ادگاه نظامی میباشند)

اطلاعیه

یکی از نشانه های مرحله نوین مبارزات خلق ما، وجود سازمانها و گروههای مختلف مبارزو انقلابی است. این - از ضرورت مرحله ی فعلی برمیخیزد، زیرا از یک طرف حزب توده به همراه حزب رفرمیستی و روزیونیستی از جانب انقلابی ایران طرف شده و از سوی دیگر حزب کمونیست هنوز با بر صرم وجود تنگد اشتهاست تا این عناصر را به خود جذب نماید. بنا - بر این باید یده وجود سازمانها و گروههای مختلف باید برخوردار و گانه کرد. از یکسویین نشاندهنده رشد جنبش، اشاعه هر چه بیشتر افکار انقلابی، علاقه روز افزون خلق و پیشروان آن به شرکت در مبارزات عملی و راهیایی و چاره چویی در جریان مبارزه میباشد و از سوی دیگر نشاندهنده کمبود بزرگ کوشش یعنی فقدان حزب کمونیست است.

مبارزه پیگیری این گروهها شرایط را برای مبارزات با زهم وسیعتر و عمیقتری فراهم میسازد و در جریان همین پیش و تلاش هاست که پیشرو مبارزات انقلابی خلق ما را تثبیت خواهد شد.

در چنین شرایط خوب انقلابی است که رژیم شاه با توسل به مکر و حیله و با شمشیر و گلوله به عبت تلاشهای کدحیات نظام پیوسیده و لوزان خود را چند صباحی دیگر حفظ کند و از یک طرف دست به کشتار انقلابیون میزند و با تهمت زدن به آنها می خواهد توجیبی برای جنایات خویش بیابد و از سوی دیگر کوشد با جعل مطالبی از قول آنها در صفوف انقلابیون

شکست کامل ویتنامی کردن جنگ

کشان ویتنام در شمال و جبهه آزاد بیخشن جنوب ویتنام مبارز سخت ولی پرافتخاری را علیه مهاجمین امریکائی و ارتش - پوشالی سایگون آغاز کرد. در مقابل حملات شدید نیروهای مسلح آزاد بیخشن خلقهای هندوچین و ضربات سخت ناشی از آن نیکسون سر دسته راهزنان مهاجم امریکائی راه ویتنا کردن " جنگ را که معنای دیگری جز نابود کردن آسیایتها بدست آسیایتها داشت در پیش گرفت.

از آن تاریخ تا بحال در جنوب ویتنام ۵۰۰ هزار نفر از ارتش پوشالی سایگون ۱۳۰ هزار نفر از ارتش تجار و کسر امریکائی و متحدینش از صحنه نبرد خارج شده اند، طبق اطلاعیه سخنگوی دولت موقت انقلابی جنوب ویتنام در - کفرانس پاریس اکنون تعداد ۱۲ میلیون نفر از ۱۷ میلیون جمعیت ویتنام آزاد شده اند (لیونند، ۲۴ ژوئن ۱۹۷۲) در همین مدت در لائوس ۶۳ هزار نفر که ۱۰ هزار نفر از ارتش پوشالی سایگون و ۵۰ نفر تا یلندی بودند ازین برده شده و ۱۰ کشور با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر آزاد شد.

در کامبوج نیز ۲۳۰ هزار نفر از ارتش پوشالی لاون نول و تجار و کزان امریکائی و ارتش سایگون از صحنه نبرد خارج شده اند، خاک کامبوج با جمعیتی در حدود ۷/۱ کل جمعیت کشور آزاد شده است. اینها پیروزیهای درخشان و بزرگ خلقهای هندوچین و شکست مفتضحانه سیاست " ویتنا می کردن " جنگ هندو چین میباشد.

کمیته مرکزی جبهه آزاد بیخشن جنوب - ویتنام طی اعلامیه ای بتاريخ ۵ آوریل اعلام داشت: " جنگ مقاومت برای آزادی و رهائی ملی خلق ما علیه امپریالیسم امریکا در شرایط بسیار مساعدی پیش میرود. موقعیت ما اکنون موقعیت برنده و تسلط یابنده است و ابتکار در دست ماست. موضع امپریالیستهای امریکائی و نوکرانشان بازنده، غیر فعال و روه ازمه پاشیدن است. بگذ اخلق ما و مبارزین ما در جنوب ویتنام سنن قهرمانی ملی رازنده نگه دارند و برای کسب پیروزی به پیش روند. بگذ ارنیروهای مسلح آزاد بیخشن با حملات پی در پی مواضع و نیروهای دشمن را درهم شکنند و بخلق بطور موثرتر کمک کنند تا در همه جا دست به حمله و قیام زنند. "

خلق و ارتش آزاد بیخشن به این ندای کمیته مرکزی جبهه آزاد بیخشن جنوب ویتنام با شور و شوق جواب داد و موج جدیدی از تهاجم عمومی نیروهای خلق آغاز گشت بطوریکه تنها در عرض ماه آوریل ۹۰۰ هزار نفر از ارتش پوشالی سایگون از صحنه نبرد خارج شدند، ۵۰۰۰۰ تنک، ۲۳۰۰۰ کامیون ۴۶۰ توپ و دهها هزار اسلحه - یگر نابود گردید و پایه ضعیف گرفته شد ۵۳۰ هواپیما در زمین خراب شدند و یا سرتگون گردیدند و ۱۹ کشتی جنگی غرق و آسیب دیدند ۲ میلیون نفر آزاد شدند و ایالت کران تری بطور کامل آزاد گردید اینهاست بیلان پیروزیهای درخشان خلق ویتنام

امروز خلقهای سراسر جهان با خلقی سرشار از مهر آتشین و همبستگی انقلابی نسبت به خلقهای قهرمان هندوچین و در پیشاپیش آنان خلق ویتنام، از پیروزیهای این سه خلق خود - شحالند و از مبارزات عادلانه و حق طلبانه آنها علیه مهاجمین امریکائی صمیمانه پشتیبانی میکنند.

این پیروزیها در نتیجه سالها جانبا زنی و فد اکاری مبارزه آگاهانه خلقهای هندوچین بدست آمده اند و بروشنی این واقعیت بزرگ را نشان میدهند که:

" خلق یک کشور کوچک در صورتیکه جرات یابد مبارزه بر - خیزد و تجارت و رزق اسلحه بردارد و سرنوشت کشور خود را بدست گیرد، آنوقت یقینا خواهد توانست بر تجاوز کشوری بزرگ غلبه نماید. این یک قانونمند و تاریخ است" این امر همچنین ضعف و درماندگی امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم امریکارا بر ملا میسازد.

برای روشن ساختن این مسائل ما قدری بصحنه واقعی جنگ ویتنام میرویم و آمارهای رسمی موجود را مطالعه میکنیم:

از سال ۱۹۶۵ تا سال ۱۹۷۱ راهزنان امریکائی ۲۶ میلیارد پوند (بیش از ۱۰ میلیون تن) مواد منفجره در هندوچین بکار بردند. این دو برابر مقدار بمب است که امریکا در طول جنگ بین الملل دوم بکار برد و ۳۶۵ برابر بمبهای هسته ای که در هیروشیما بکار رفت، از این مقدار ۲۱ میلیارد پوند آن در جنوب ویتنام بکار برده شده است.

(هرالد تریبون، ۹ مه ۱۹۷۲) امپریالیسم امریکائی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از ارتش خود را به هندوچین فرستاد، ارتشهای پوشالی تایلند، کره جنوبی استرالیا، ژلاند جدید و غیره را یکم گرفت، مد رنترین سلاحهای جنگی از جمله بزرگترین هواپیما جنگی ب - ۵۲ خود را بکار برد، ناوگان هفتم خود را در خدمت جنگ هندو چین در آورد، دهکده های استراتژیک بوجود آورد، سه قتل عام مردم بدون سلاح پرداخت، بمبهای شیمیائی و آتش ز با کربست، مناطق مسکونی، بیمارستانها و مدارس را بخصوص در شمال ویتنام راهزنان عزیز آتش بمبارا گرفت و - بالاخره وقاحت را بجای رساند که با مین گداری در بنسادر شمال ویتنام بمباران کردن راه آهن های جمهوری دموکراتیک ویتنام بخیا ل خود مذ بوحانه کوشید تا از او جگری جنگ آزاد بیخشن توده های در جنوب ویتنام جلوگیری کند.

ولی خلق ویتنام یک لحظه از مبارزه صمم و قاطع خود باز نایستاد، صد رهوشی مین در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۶ گفت: " هانوی، های فونگ و سایر شهرها و موسسات را میتوان خراب کرد ولی خلق ویتنام از آن بیخبرند ارد، هیچ چیزی با ارزشتر از استقلال و آزادی نیست. وقتیکه روز آزادی رسید خلق ما دوباره کشورمان را با باناهای زیباتر و بزرگتر خواهد ساخت. "

خلق ویتنام تحت رهبری صد رهوشی مین، حزب زحمت

اخلال کند و از وحدت و اجتناب ناپذیر نیروهای انقلابی جلوگیری در جریان دستگیری ۲۰ نفر از مبارزین انقلابی نوزدهم بهار دیگر این شیوه کثیف را بکار برده است، " مقام امنیت " در مصاحبه زانویه خود ادعا کرد که یکی از این سه گروه دستگیر شده گروه سازمان انقلابی است که " مورد فشار رهبری سازمان در خارج " قرار گرفته و بدستوران دست به ریوند سفیر امریکا و همچنین حمله به شعبه بانک ایران و انگلیس زده است، اینکه با دولت عراق رابطه داشته و غیره و غیره. . . طبق اطلاعاتی که داریم این گروه به هیچ جا بستگی نداشته، هیچ رابطه ای با دولت عراق نداشته و کاملاً به خود ش متکی بوده است، سازمان آنها یک سازمان مستقل بنام " سازمان آزاد بیخشن خلقهای ایران " بوده و کوشش آنها برای گروگان گرفتن سفیر امریکا بمنظور اعلام سازمان خود و مطالب آزادی زندانیان سیاسی بوده است.

آنها اعلام کرده اند که به مارکسیسم لنینیسم اعتقاد دارند مبارزه مسلحانه را درست میدانند و مرحله کوشی انقلاب ایران را دموکراتیک ملی ارزیابی می نمایند و معتقدند که پس از پایان این مرحله باید به مرحله انقلاب سوسیالیستی وارد شد.

- ۲۵ نفر از اعضای این سازمان در اوایل آذر ۱۳۵۰ دستگیر گردیدند که اسامی ۲۰ نفر آنها را در دست داریم:
- ۱- سیروس نهاروندی دانشجوی سابق آلمان
- ۲- اکبر ایزد پناه
- ۳- محمود جلابیر لیسانس شیمی و دانشجوی سابق در آلمان
- ۴- رحیم بنائی کارمند بیمه های اجتماعی
- ۵- نعمت عبوز محمدی دیپلمه
- ۶- منوچهر نهاروندی مهندس
- ۷- سیمین نهاروندی دانشجوی مدرسه عالی پارس
- ۸- فاطمه سلطان نهاروندی
- ۹- احمد کیفائی دانشجوی سال آخر پزشکی دانشگاه تهران
- ۱۰- هادی گرامی فرد لیسانس اقتصاد
- ۱۱- حمید گرامی فرد دیپلمه
- ۱۲- کورش بکائی دانشجوی سابق آلمان
- ۱۳- احمد اسمعیل زاده دانشجوی معماری دانشگاه ملی
- ۱۴- محمود باقری نژاد دانشجوی دانشکده مآرک
- ۱۵- مسعود مولی زاده دانشجوی هنرهای تزئینی
- ۱۶- حسین که فر کارگر
- ۱۷- بیژن رفیعی مهندس
- ۱۸- کامران رفیعی دانشجوی اقتصاد
- ۱۹- محمد امین خمیری مهندس
- ۲۰- محمد کریم خمیری مهندس

رهبران این گروه تحت شکنجه های سخت قرار گرفته اند که به تلویزیون بیابند و با اظهار شیمانی کنند ولی آنها در لیرانه از معتقدات خود دفاع کردند و به مبارزه مبارزید شرایط سخت ادامه دادند. نکته ای که در اینجا جلب توجه می کند پیوند روشنگران انقلابی خارج و داخل در مبارزه علیه رژیم و پایداری و مقاومت آنهاست که در جریان مبارزه و کوشش برای پیروزی هر چه بیشتر یافتن و شرکت در مبارزات خلق هر چه مستحکمتر میشود. قداره بنده ان و شکنجه گران رژیم شاه هرگز قادر نیستند اراده و خلق و تشکلهای انقلابی آنان را رهنشکنند.

مقاومت و مبارزه سازمانهای انقلابی در ایران هر روز بطور فزاینده فشارها، محکومیت ها، شکنجه ها و اعدام شدید ترمیشود. مسلمانها همسوی و وحدت این سازمانها در جریان شرکت در مبارزات توده ای و بوجود آمدن حزب کمونیست ایران ستاد پیشرو و رهبری کننده پرولتاریا و خلقهای ای - نرا ناقوس مرگ رژیم بصد ادر خواهد آمد.

درد به رزندگان دریند! پیروزی مبارزه خلق!

در مبارزات پرافتخار علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرین در ماه گذشته.

امپریالیسم امریکا به قدرت نظامی و ماشین جنگی خویش تکیه کرد و مفتضحانه شکست خود در حالیکه خلق ویتنا به خود و اراده آهنینش تکیه نمود و بزرگترین قدرت نظامی امپریا - لیستی را بزنانود آورد، اینست درس بزرگ و پر حماسه انقلاب خلقهای هندوچین.

امروز امپریالیسم امریکا در میان آتش انقلابی خلقهای هندوچین دیوانه و اربهر طرف دست میاندازد، به - جنایتکارانه ترین عملیات دست میزند ولی اینها نشانده قدرت او نیست بلکه تشبیهات نامعادله و عیسه دم مرگ اوست.

خلقهای هندوچین بطور حتم این حیوان زخم خورده وحشی را بزنانود خواهند آورد، روز مرگ امپریالیسم امریکا در هندوچین نزدیک است.

جنگ خلق در هندوچین پیروز است!